

تاریخچه مشارکت سیاسی در ایران «موانع و مشکلات جامعه‌شناختی آن»

دکتر محمد آراسته‌خو

بحث مشارکت سیاسی با توجه به نیاز دایم‌التزاید جامعه ایران در رابطه با مشارکت‌های اقتصادی، فرهنگی، تربیتی و علمی از یک‌سو و توسعه سیاسی در رابطه با توسعه اقتصادی از جانب دیگر یکی از مطالبی است که نمی‌توان از آن با مسامحه گذر کرد.

مقاله زیر فشرده پژوهشی است که طی سالها انجام گرفته است و محقق سعی داشته تا با در نظر گرفتن قدمت حیات سیاسی و اُفت و خیزهای فراوان آن و ویژگیهای اجتماعی (به مفهوم عام) از جمله: جمعیتی، اقتصادی، معیشتی، فرهنگی، دینی - عقیدتی، ارزشی، فلسفی، علمی و تربیتی در گذر زمان موانع و مشکلات فرا راه مشارکتهای سیاسی مطلوب، سالم و سازمان‌یافته را بررسی و تبیین نماید.

تردید نیست که بازنمایی گذشته می‌تواند سلسله رفتارها، کنش‌ها و کارکردهای مختلف (مثبت و منفی، آشکار و پنهان و ساده و مرکب) افراد، گروه‌های سنی و جنسی و حتی ساختارها و کارکردهای امور متفاوت و در عین حال در تأثیر و تأثر را قابل فهم و درک نماید و سیر آزمون و خطای آن را از طریق تبیین علمی بشناساند تا اتخاذ تدابیر مقتضی در جهت وحدت و عدالت اجتماعی را مبتنی بر عقل حسابگر و یافته‌های پژوهشی مربوط به مقتضیات و ویژگیهای هر جامعه سهل گرداند.

در این راه نخستین گام طرح سؤالاتی چند و فرموله کردن آنها یعنی فرضیه‌سازی و پیگیری محققانه آنها به‌منظور رسیدن به قضایای تجربی^(۱) لازم برای تأیید، تقویت و اصلاح نظریه‌های مربوط به مشارکت سیاسی و حتی شناخت جنبه‌های رفتنی و ماندنی

نظریه‌های ابراز شده توسط جامعه‌شناسان سیاسی و علمای سیاسی - اجتماعی است. به‌عنوان مثال: ماکس وبر^(۱) معتقد بود که برای بررسی مشارکتهای سیاسی، مطالعه رابطه میان ارزشها و معرفت‌ها ضروری است و نیز حکومت (سازمانی از نهاد دولت) و سیاست را باید در ارتباط با سایر امور و پدیده‌های اجتماعی در نظر گرفت و تقدّم یکی بر دیگری صحیح نیست و بالاخره می‌گوید فقط در تمرکز شدید قدرت و اقتدار است که پدیده‌های سیاسی بر سایر پدیده‌ها تفوق دارد.

گورویچ^(۲) جامعه‌شناس روسی‌الاصول فرانسوی معتقد بود که چهره‌به‌چهره شدن سازمان یافته مردم (از هر گروه و طبقه) می‌تواند تقارن، تفاهم و مشارکت در هر زمینه را نیرومند سازد و این نیرومندی بر اثر خصایص درونی خود منشأ بسیاری از ترقیّات می‌گردد. چنانچه این نظریه را با نظریه‌های دورکیم در کتاب «اشکال نخستین حیات مذهبی» پیوند دهیم، آنگاه کم و بیش می‌توانیم سؤال‌های مرتبط با موانع و مشکلات مشارکتهای سیاسی-اقتصادی جامعه ایران دوره‌های گذشته را روشن‌تر و دقیق‌تر ابراز کنیم.

یا اگر تقسیمات مشارکتهای سیاسی ساموئل هانتینگتون^(۳) را به میان آوریم و سپس واقعیت‌های حیات سیاسی-اجتماعی جامعه ایران از گذشته‌های دور تاکنون را مشاهده علمی نماییم طرح سؤال‌ها و فرضیه‌سازی‌ها و انجام پژوهش در جامعه ایران دقیق‌تر انجام خواهد شد و مآلاً آمادگی برای تقویت یا تضعیف نظریه‌ها و در صورت لزوم ابراز و اظهار نظریه‌های کامل‌تر، بیشتر خواهد گردید؛

به نظر او انواع مشارکت‌های سیاسی عبارتند از:

- مشارکت خود به خودی (که مشابه نظریه گمین شافت^(۴) تونیس است)،
- مشارکت برانگیخته خارجی که هم اهداف ملی و هم اهداف فراملی را پی می‌گیرد،
- مشارکت تحمیلی درون‌زا که در جهت بقا صورت می‌گیرد، (مشابه عاطفه بقای پارتو)،

۱. آینده بنیانگذاران جامعه‌شناسی، مقالات گروهی از محققان (مقاله Wrong, D.H.)، ترجمه آقای دکتر غلامعباس توسلی، صفحه ۲۶۷ تا ۲۷۰، نشر قومس.

2. Gurvitch, G. (1958), *Traite' de sociologie; proble'me de sociologie Politique*, Paris.

۳. سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه آقای محسن ثلاثی، نشر علم، صفحه ۱۱۸.

۴. در گمین، شافت، احساس، همخونی و همسایگی برتری دارد ولی در گزل شافت عقلانیت حاکم است.

- مشارکت سنتی ریشه‌دار معیشتی، جمعیتی، اقتصادی و غیره که خواه ناخواه در مشارکت‌های سیاسی بازتاب‌های خود را نشان می‌دهند،
- مشارکت ارادی و آگاهانه که در شکل‌های انجمن‌ها، جماعت‌ها، اتحادیه‌ها، شوراه‌ها، احزاب و... بروز می‌کند.
- به نظر او بدون نهادینه شدن ابزارها و مشی‌های مرتبط، مشارکت‌ها، از جمله مشارکت سیاسی امکانپذیر نیست.
- برطبق گزارش مؤسسه تحقیقات توسعه اجتماعی سازمان ملل متحد، در سال ۱۹۸۲ میلادی، هر گونه مشارکت دربردارنده سه خصیصه اصلی است:
۱. سهیم شدن در قدرت.
 ۲. کوشش سنجیده گروه‌های اجتماعی به منظور بهبود وضع زندگی و حاکمیت بر حیات سیاسی خویش.
 ۳. ایجاد فرصت‌هایی برای اعضاء و گروه‌های فرودست جامعه.
- یا نظریه «گروه‌های مرجع» مرتن^(۱) می‌تواند ما را در شناخت جهات مثبت و منفی، آشکار و نهان انواع مشارکتهای سیاسی گذشته ایران یاری دهد. همچنین نظریه‌های نخبگان سیاسی حاکم و غیرحاکم پارتو^(۲) نیز با توجه به ویژگیهای جامعه ایران تا حدودی قادر است راه بررسی را هموار کند. بحث تأثیر و تأثر عوامل فرهنگی، جمعیتی، اقتصادی، سیاسی، گروه‌ها و طبقاتی لیپست^(۳) در شورش‌ها، عصیان‌ها و انقلاب‌ها بسیار حایز اهمیت است (به نظر او با حفظ مشروعیت‌های سنتی می‌توان تغییراتی را پذیرفت). چنانچه تعریف میشل راش از مشارکت سیاسی را بیان کنیم:
- «مشارکت سیاسی عبارتست از فعالیت جمعی-فردی اعضاء سطوح مختلف نظام سیاسی و رده‌بندی تمایلات و گرایش‌ها به منظور اداره امور سیاسی جامعه.»^(۴)

1. Merton, R.k., and Kitt, A.S. (1953), contribution to the theory reference group behavior.
2. Pareto, V. (1968), Therig and Fall of the Elites. Totowa N.J
3. Lipset, S. M. (1967), Political Sociology, N.J. Smelser (New York: wiley).
4. Rush, M. (1992), Politics & society, An Introduction To Political Sociology, London. Horvester weatsheaf; chapter G; Political Participation: P. 110.

آنگاه طرح سؤال‌ها و اظهار فرضیه‌های مرتبط با کم و کیف، مثبت و منفی، آشکار و نهان، ساده (یک منظوره) و مرکب (چند منظوره) انواع مشارکتهای سیاسی در تاریخ حیات سیاسی جامعه ایران غنی‌تر و کارسازتر خواهد شد ازجمله:

- تهاجمات، جنگها، نفوذ و رسوخ عناصر مختلف بیگانه از یکسو و گریز از عقلانیت و زیرمحوری‌های آن نظیر رواج موهومات، فردگرایی مفرط، تضعیف آگاه و ناآگاه تربیت‌ها و تعلیم‌ها، فرهنگ معنوی پویا، سرخوردگی‌ها، رونق بازار تخیل از سوی دیگر، چسان و چگونه در تضعیف مشارکتهای سیاسی سالم و مطلوب مؤثر بوده‌اند؟

- میان عناصر فرهنگی، تربیتی، علمی و مشارکت یا عدم مشارکت سیاسی ارتباط برقرار است.

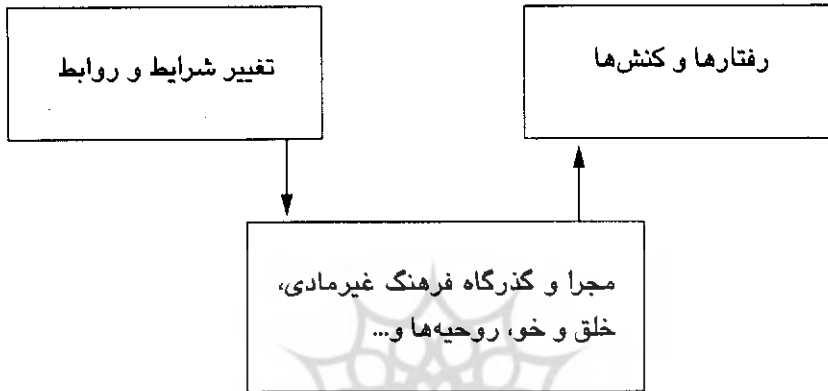
- طرز تلقی راجع به فعالیت‌های سیاسی و اخلاق مسئولیت نسبت به مصالح سیاسی جامعه در کمیت و کیفیت مشارکتهای سیاسی قابل توجه است.

- اهمیت دادن به انجمن‌ها، شوراها، مجامع، گروهها و احزاب از سوی مسئولان برتر نظام سیاسی می‌تواند مشارکتهای سیاسی و بالمآل توسعه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و علمی را بارورتر کند.

- چرا و چگونه در قرون سوم و چهارم و نیمه اول قرن پنجم ه. ق. جو خاصی از انواع مشارکتهای سیاسی و دموکراسی، جدای از سایر دموکراسی‌های جهان در جامعه ایران پدید آمد؟

ولی بر اثر پاره‌ای القائات درون مرزی (ازجمله نظرات غزالی و اقدامات خواجه نظام‌الملک که در عین حال منشأ خدمات بزرگی نیز بوده‌اند) به سرعت آزادگی‌ها و جنبش‌های علمی، فلسفی، سیاسی-اجتماعی فروپاشیده شدند و ناپدید گردیدند و عنصر غن، سلجوق، مغول نیز تیر خلاص را رها کردند و اگر هم در قرون بعد افراد و گروههای خیراندیش و سامان‌طلب یافت شدند مدیون احتشام، ابهت و داشته‌ها و یافته‌های همان قرون مذکور بودند؟ مع‌ذلک هنوز هم تاحدی عوارض سوء و بازدارنده گذشته وجود دارد، زیرا تغییرات شرایط و روابط مستقیماً در رفتارها و کنش‌های فردی-جمعی مؤثر نمی‌شود بلکه از مجرا (فیلتر)های خلق و خو، عادات، روحیات، خودآگاه و ناخودآگاه

جمعی و به‌طور کلی فرهنگ غیرمادی عبور می‌کند و در رفتارها و کنش‌ها منعکس می‌شود و گذر از این مجراها نیاز به زمان و فعالیت‌های سنجیده و سنجش‌پذیر دارد:



پس برای انجام چنین پژوهشی بویژه شناخت موانع و مشکلات جامعه‌شناختی مشارکتهای سیاسی^(۱) در جامعه ایران می‌بایست در بُره‌ها و دوره‌های متعددی به کمک روش‌شناسی متناسب و مقتضی اقدام کرد از جمله: قبل از ظهور و ورود اسلام به ایران، قرون ابتدایی اسلام و ایران، از نیمه دوم قرم پنجم ه. ق. تا حدود نهضت مشروطه، سپس در دهه ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ ه. ش. و بالاخره از ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ ه. ش. در این راه از منابع معتبر و مکمل آرایه اطلاعات صحیح می‌بایست استفاده کرد،^(۲) تا زیربناها، زمینه‌ها و بسترهای امور و پدیده‌های مختلف بویژه سیاسی-اجتماعی شناخته گردند و برای مباحث و مسایل مرتبط متغیرهای دست‌اندرکار تعیین شوند. البته نمی‌توان کاملاً

۱. برای انواع مشارکتهای سیاسی آقای اسمیت و همکاران وی بر پایه تجارب خود از غرب، تقسیماتی قابل شده‌اند: (مشارکتهای سیاسی رسمی و مقرراتی، مشارکتهای سیاسی نامنظم و نامنتظم مانند تظاهرات سیاسی، راهپیمایی، شورش، عصیان و غیره.

Smith, D.H; Goel, M. Lal (1986): Participation in Social and Political activities; PartII, P. 76.

۲. آثار و شواهد مکتوب در هر زمینه نشان می‌دهند که هر چند آثار مزبور بظاهر شخصی و خصوصی باشند اما اساس و منشأ آنها از جامعه اخذ شده، اخلاق، گرایش‌ها و فرهنگ جامعه منای بحث و مدار آنها بوده است.

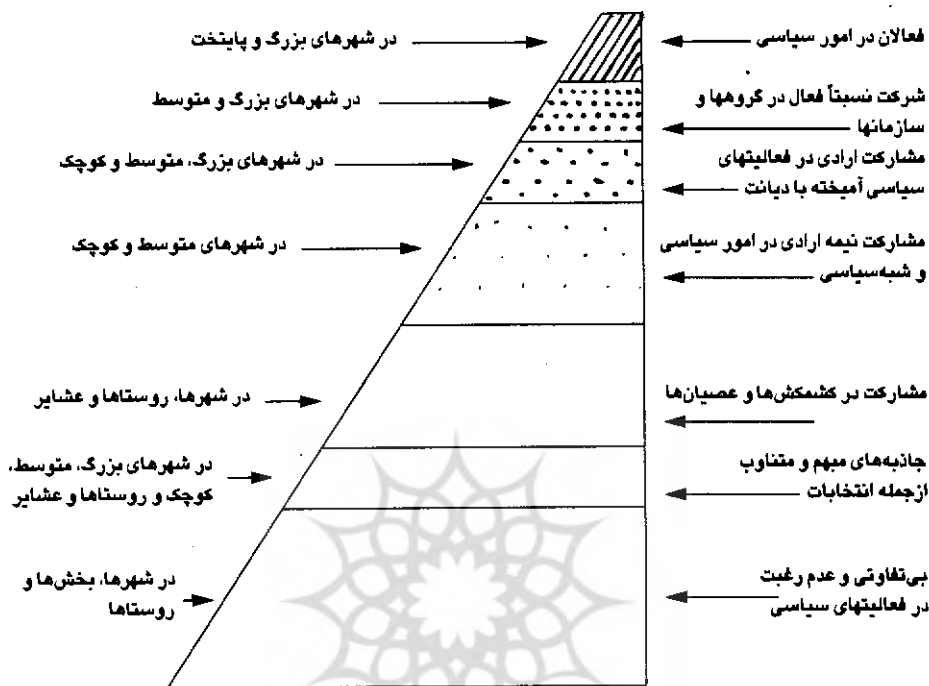
انتزاعی مسایل مربوط را بررسی نمود بلکه برای درک عمیق، همه‌جانبه و فراگیر موضوع و مسأله از دانش‌ها و دریچه‌های متعدد و متنوع مانند: قوم‌شناسی، روانشناسی اجتماعی، اقتصاد، جمعیت‌شناسی و نظایر اینها بهره گرفت و ساخت و کارکردهای قدرت و اقتدار، گروه‌ها و طبقات، منابع و مجراهای توزیع امکانات، اطلاعات و ارتباطات را شناخت. مثلاً سعی شود علل و عوامل ضعف تدریجی تفکر سنگین و مولد از نیمه دوم قرن پنجم ه.ق. به دقت مطالعه شود یا تبیین‌های فرهنگی، استنادی، فلسفی و علمی بازنمایی گردد تا رابطه‌های واقعی از رابطه‌های مجازی و ایجابی تمیز داده شود؛ به عنوان مثال در تصویر صفحه بعد به‌طور محدود گرایش‌ها، رغبت‌ها، اراده آگاه و ناآگاه نسبت به مشارکت سیاسی در رابطه با مرفولوژی اجتماعی^(۱) و امور جمعیتی نشان داده می‌شود.

به عبارت دیگر در بررسی مشارکتهای سیاسی رسمی، قراردادی، غیررسمی، منظم و نامنظم، سازمان یافته و نیافته نمی‌توان صرفاً به نهادها، سازمانها، جریانها، اعتقادات، سلوک و رفتارهای منظم و منتظم و روابط سیاسی اتکاء نمود و از سایر امور اجتماعی (به مفهوم عام) غفلت کرد یا نظرگاههای مرفولوژی اجتماعی و جمعیتی را نادیده گرفت. هر چند تمرکز شدید قدرت و اقتدار و اقلیت‌های ممتاز و نخبگان حاکم در مرکز و نواحی مختلف کشور که در اندازه‌های مختلف زمام امور را در دست داشتند و انباشتگی قدرت موجب تحمیل سلطه اضافی بر عامه مردم بوده دور باطل و تسلسل ضعف آثار مخرب خود را در همه امور بروز می‌داده است و همین مسأله فرهنگ یاریگری سنتی قدیم و قویم مردمان این مرز و بوم را غالباً از کارآمدی، فراگیری، همه‌جانبگی (بویژه سیاسی) و پایداری منتظم باز می‌داشت و بعضاً عقیم می‌کرد و علاوه بر آن ضعف اخلاق مسؤولیت، تفرّد، تکروی، شکاف طبقاتی، بی‌اعتمادی نسبت به یکدیگر را دامن می‌زد تا جایی که کمال‌الدین اسماعیل می‌گوید:^(۲)

«دی بر سر مرده‌ای دو صد شیون بود امروز یکی نیست که بر صد گرید!»

۱. Social Morphology: شکل‌شناسی عمومی - اجتماعی در رابطه با ساختارهای اجتماعی

۲. کمال‌الدین اسماعیل فرزند عبدالرزاق اصفهانی از شاعران معروف که خود شاهد و ناظر کشتار مردم اصفهان توسط افغانه بود.



(تصویر مربوط به نهضت مشروطه تا سال ۱۳۰۴ ه. ش.)

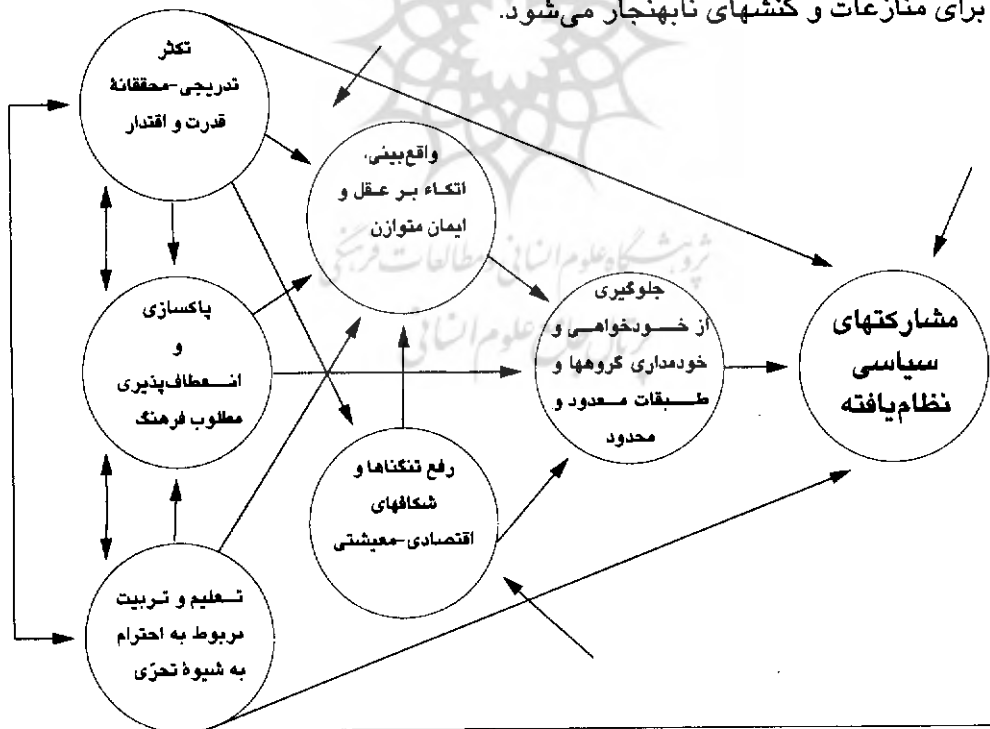
بی‌شک مشارکت سیاسی مطلوب و سالم و حل و فصل موانع و مشکلات آن محتاج تربیت شیوه‌تحریر و شناخت حد و مرز و احترام به آزادی به موازات وجود قوانین و مقررات ضروری و اقبال همگان نسبت به سازمان‌یافتگی فعالیت‌های مرتبط می‌باشد. وقتی چنین بستری و شرایطی فراهم باشد آنگاه مشارکت مزبور خصایص Emergency (بروز و ظهور صفات جدید برتر و فراتر از صفات اجزاء و عناصر تشکیل دهنده) و تعاملی خود را در سایر بخش‌های زندگانی اجتماعی رسوخ می‌دهد و ترقی و تعالی جامع‌الاطراف می‌شود و در این راه تقوای حسی، عاطفی، عقلی، سیاسی، علمی، اقتصادی میان ملت و حکومت ارتباط موزون پدید می‌آورد و علاوه بر آن آثاری چنین برجای می‌نهد:

– کاهش احساسات مفرط به منظور تربیت و تقویت عقل و ایمان و بهره‌وری آنها برای مشارکتهای سیاسی متناسب با مقتضیات جامعه ایران،

- کاهش تدریجی نابرابریهای طبقاتی و نیرومندتر شدن تحرکات شغلی، سیاسی-اجتماعی، نظام یافتگی و قانونمندی مشارکتهای سیاسی،
- تربیت و تقویت روحیه تحمل آرا، برخورداری از آزادی مقتضی، برابری در مقابل فرصتها، شرایط، امکانات موجود و ممکن‌الوجود، مقررات و قوانین،
- پیشگیری آگاهانه و عالمانه از بروز سلطه اضافی و کم و کیف کارآمدی هر چه بیشتر و مؤثرتر انجمن‌ها، شوراهای گروهها و احزاب سیاسی،
- چگونگی و مرتبت تعلق‌پذیری و اخلاق مسئولیت در سطح کلان جامعه درعین وجود تنوع و تکثر مجامع،
- از میان رفتن شکاف ریشه‌دار و تاریخی میان فعالان و منفعلان و تقویت هماهنگی فرد و جمع و شناسایی صورتهای مختلف رفتارهای فردی و خویش‌نپرستانه به نفع مشارکتهای سیاسی قابل، سالم و سازنده (به‌موازات سنجیدگی و سنجش‌پذیری)،
- توجه به اهداف نهادی شده متعالی و تعیین و تشخیص ابزارها و مکانیزمهای مربوط،
- همیاری و سازواری محققانه نخبگان حاکم و مدیر با نخبگان غیرحاکم و غیرمدیر،
- بازنمایی نیروهای رفتاری، باورها و رفتارها و برقراری ارتباط موزون میان نشان درجهت تربیت و تقویت مشارکتهای سیاسی،
- تعادل پویای نظام اجتماعی از طریق ارتباط متوازن انطباق‌حمیلی و اختیاری (بنا بر موارد مرتبط)، عقل و ایمان و غیره،
- جلوگیری از تلقین‌پذیری غیرعقلانی به مدد ارتقای دانشوری محققانه،
- بهره‌گیری و استفاده از محققان دانشهای اجتماعی و جمعیتی بویژه در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی به‌منظور تبیین علمی-پژوهشی واقعیات و در نتیجه امکان پیش‌بینی رویدادها و وقایع احتمالی و آتی که می‌تواند جهت‌یابی معقول و منطقی را در شرایط گذارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، معرفتی و علمی یاری دهد و کشف و بررسی عمقی، ذهنی و عینی روابط سیاسی-اجتماعی را به‌صورت تحلیلی، تعلیلی و ترکیبی میسر گرداند.

تردید نیست که برای رهایی از موانع و مشکلات تاریخی و ریشه‌دار مشارکتهای سیاسی موزون و ثمربخش می‌توان از انواع و اقسام مدلها و جابجایی محققانه متغیرها استفاده کرد که به‌عنوان مثال مدل مسیری زیر یکی از آنهاست، که در صفحه بعد ملاحظه می‌فرمایید: (۱)

بی‌شک تجارب و شواهد بازمانده از گذشته و جامعه‌های مختلف نشان‌دهنده که نه گروهها و احزاب فرمایشی به سردمداری نخبگان حاکم و وابسته به مرکزیت قدرت (اعم از آشکار و نهان) و نه کشاندن مردم به کوی و برزن بر پایه احساسات مفرط و هیجانهای سریع‌الاثراثر هرگز نتوانسته‌اند موانع و مشکلات مشارکتهای سیاسی را از میان بردارند و نهایتاً توسعه سیاسی را محقق سازند؛ این‌گونه نمایش‌ها غالباً در بلندمدت اراده آگاه سیاسی را به ضعف می‌کشاند و بعضاً آن را به بیراهه می‌برد و گاهی هم به جای انتظام و انسجام‌پذیری قانونمند و تعادل‌پویای جامعه سیاسی بستری مناسب برای منازعات و کنشهای نابهنجار می‌شود.



۱. با استفاده از مدلهای مندرج در صفحه‌های ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵ و ۲۴۳ رساله «تاریخچه مشارکت سیاسی در ایران و موانع و مشکلات جامعه شناختی آن» توسط آراسته‌خو.

پس شکل و محتوای مشارکتهای سیاسی برای حیات سیاسی پویا و توسعه سیاسی در رابطه با توسعه‌های اقتصادی،^(۱) تربیتی، فرهنگی و... همچنین طرز تلقی‌ها و انعطاف‌پذیری مطلوب و مقتضی محتاج ابزارها و مکانیزمهایی سنجیده و سنجش‌پذیر می‌باشد.

این تراکم تدریجی فضیلت‌ها از جمله تربیت، دانش و بینش، عقل سیاسی، عدالت اقتصادی و نظام تأمین اجتماعی در قالب سازمانهای مختلف است که مشارکتهای سیاسی سالم را دوام و قوام می‌دهد و ابزارهای منافع و مصالح واقعی اعضای جامعه را مهیا می‌کند. چنانچه در جامعه‌ای چنین ارزش، قابلیت و مفاهیم مشترکی از مشارکت سیاسی فراهم آید می‌تواند زمینه‌ساز مطلوب شکل و محتوای روابط داخلی و حتی خارجی گردد.

شک نیست که درک و فهم این مهم توسط مسئولان برتر که هیچ نظامی بدون جلب مشارکت واقعی و کیفی اعضای آن از آسیب‌ها و آفت‌ها مصون نمی‌ماند بسیار حیاتی است.

سرانجام تبدیل آگاهانه مشارکت کمی به مشارکت کمی - کیفی سیاسی به منظور یکپارچه‌سازی و به حداکثر رساندن شیوه‌ها و روش‌های استفاده از منابع انسانی - اجتماعی (به مفهوم عام) و سوق دادن آن به سوی توسعه سیاسی که مآلاً به تعمیق و گسترش تولیدات فکری و اقتصادی نیز می‌انجامد موجب می‌شود تاپاره‌ای از زد و بندها، تاخت و تازها و آسیب‌رسانی به امور سیاسی، اقتصادی، تربیتی، معرفتی و فرهنگی باز ایستند و ناپدید گردند و جامعه رو به سلامت نهد و ره به ترقی و تعالی بیشتر گشاید.

۱. مارتین لیپست S.M. Lipset در اواخر دهه ۱۹۵۰ میلادی در کتابش "Political Man" معتقد بود: با حفظ برخی از مشروعیتهای سنتی (در گذر نظریهٔ تداوم) می‌توان در سازمانهای سیاسی تغییراتی داد و تشنج‌های سیاسی هم در پی نداشته باشد و نیز به کمک توسعه اقتصادی و توزیع عادلانه درآمدها دموکراسی سیاسی هم نیرومند می‌شود. محقق این کار، یکی از مصادیق بارز فقدان ابزارها و مکانیزمهای لازم برای توسعه ساسی و نبود تشکلهای نظام‌یافته و قانونمند را در جامعه افغانستان ملاحظه می‌کند که قبل ستیز سالهای اخیر هیچ‌گونه تجربه‌ای از رقابت‌های سیاسی سالم را نداشته است. اما در هندوستان علی‌رغم وجود انواع و اقسام گروهها و دستجات سیاسی، فرهنگی، مذهبی و... به سبب وجود تجارب انتظام یافته در رقابت‌های سیاسی از زمان رهایی از استعمار همواره از تعادل، تفاهم، اخلاق مسئولیت و تعلق‌پذیری در سطح کلان جامعه برخوردار بوده است.